

# طوفان

## جای اواره

تهران : خیابان لاله زار - شماره تلفن ۱۷۷

### صاحب امتیاز و مدیر فنی

عنوان تلگرافی طوفان

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

## قیمت اشتراك

داخله : سالیانه - ۸۰ تومان - شش ماهه - ۴۵ تومان  
در ولایت اضافی اجرت پست  
خارجی : سالیانه - ۱۰۰ تومان - شش ماهه - ۵۰ تومان

### تک نمره ۸ شاهی

#### قیمت اعلانات

صفحه ۱ - صفحه ۲ و ۳ - صفحه ۴  
سطری ۳ قران - ۲ قران - ۱ قران

## فرياد مظلوم

از سواحل بحر خزر ورود ارس نابندر بوشهرواز آخرین نقاط سرحد فري مارو در برنده یعنی از شمال ناحیه و از مشرق نامقرب ایران يك فرياد جگر خراش و يك ناله هم آهنگ از ساکنین این مرز و بوم بلند است

این صدا های يك نواخت و این شجه ملالت افکنگر که گاهی بقوت سر پنجه قوت و فشار خفه شده و زمانی از ناسجاری و گوش عبوق می رسد نهره مظلومانه و عاجزانه ستمگشان بدبختی است که در زیر چنگال جلاخان خونخوار یا متفدین محلی و دژ های آبرومند دست و پا میزنند

از همان روز کاری که شهادت نامه کار و استفاده پیمان چابکوس بیست آرمی آرموی سرمایه دار ظالم و یوا هوس اقتدار و حیات ملی را که دار و بتمام شگون و حیثیت ملت لبخند مسخره آهیز پارتاب کردند

از همان وقتی که زهاد ربا کار برای مثنخوری و بنام مقدس دیانت دست بفارت و بت اعمال دراز کرده و بانگاه همان مرچوبین بتمدی از هر سو به احساسات ملی و نهضت آزادی خواهی جلو گیری کردند

از همان اوایی که نامه لیمان فرومایه با سرمایه حکومت های سفله پرور و با قوت دولتهای چایر از رحمت تا توان باج و خراج میگریزید

فرياد مظلومیت از حلقوم مقید و فشرده محنت کشان این آب و خاک بر سارت گاهی با قوتضای حوادث این ناله اوج میگریخت و زمانی ساکت و ستمه سحری میگریانند بادی خاموش میبکشد

این استغاثه بیچارگی که از فرزندانی زمین ستمی در سواد آکره خاک میبکشد همیشه گم گم سامه حساسین و تالاسفه مینگر را خسته نموده و در اغلب اجتماعات برای سلبو گیری از مواد ستمه آن چاره اندیشیدند

بهر دم گفند زیر بار زور و ظلم نروید و فرياد مظلومیت هم با مسلمان بلند میگردد

بالاخره گم بویی آن صدا ها پستی گرفت همان مظلومین بیلاکشی حیات با سعادتی را در زندگانی خود تجدید کردند اما دنیای ایران که

بواژگون کردن آن اساس و بهر چیدن آن بساط ستمکاری بیشتر محتاج بود آرنفشار تضییقات و تحمیلات زیادتری از طرف آن متمدان سنگین دل شده و با هزار گونه متمدان غلط بضرر شعیت حکومت های قدرت ندایم میشد

نه بگروز و دو روز نه یکماه و يك سال بلکه قوت های متمدانی است که دست نطاول عمال حکومت ظلم و خود سری میبخواهد زیا و ناله داد خواهی اهالی پریشان ایران را در خلتوم ایشان خفه و مدموم کند

اگر جریانات طبیعت و پیش آمد های روزگار بانها مجال و فرصت داده بود از انجام این مضمود دریغ نمی نمودند زیرا با همین حال و در عین این که انقلابات بشر را برای خرید کردن تخت و تاج بجاوز کاری و استبداد متاعده می نمودند بپیمان ناله مظلومیت و ناکامی و هزاران شجه بیچارگی و محرومیت در حلقوم افراد این مملکت خفه شده و چقدر صداها از فرط نهدی و جور در اعماق سینه ها مدفون گشت

امروز هم همان دستهای آلوده چشمهای بی نور ما را بر نك های دیگری اغفال کرده و با حلقوم نابازی میبکنند

این غارتگران آبرومند و قاتلانی که پمال و ناموس و حیثیت بوده و تجور ایفا نگردند و نمیکنند میبخواهند آخرین وسيله زندگانی و آزادی حتی فرياد مظلومیت را هم خاموش و خفه کرده و بدون هیچ مانعی بکامیابی بزر سواری نمایند

تیمان کرده آید دیگر سر تا سر ایران عدالت حکمفرما و گمی از مامورین ظلم شکایت ندارد ؟

صورت میبکشد در ظل توجهات عالیله اولیای امور آب از آب نکان نمی خورد ؟

افزون !! لحنه توجه سینه و بیه بینید چقدر مظلومین دل آفرنده و بی پناه بیخوشکند را آهانی بیبغبال طهران لعنت و نفرین میبکنند

از محیط کلان ساز و شهادت پرور طهران که ممکن است بیس از چندین سال بومظلومیت بیچاره علی در غمزدیگران برسدی کنی کند بگردد

نهیگو کنیم صیقلاته - نظری سطحی را خسته نبخواهد کرد !!

## رباعی

بس ناله جند غم در این بوم آید  
شکفت اگر فر هماشوم آید  
يك لحظه کسی اگر کند باز دو گوش  
از چار طرف صدای مظلوم آید

باوضاع ولایات دور از مرکز انداخته و احوال مردمی را که در تحت فشار و نهدی روسای دوا بر همیشه مطاعه نمائید

به پهنید چگونه مرم از تجاوز و نطاول روسای نظمی و متفدین محلی شکایت میکنند در صوریکه هیئت دولت نظلم آنها را بتصدیق روسای نظمی موول مینماید ؟

کسی نمی پرسد یا این مصوب نامه که هیئت وجه دولت صادر نموده آر سی از دست رئیس تنظیمه شکایت داشته باشد یکی و کجا مراجعه نماید ؟ دولت میبخواهد فریاد مظلومیت و عدالت خواهی کمترین فضای طهران و محفوظه دوا بر منعکس گردد ولی امضا کنندگان این مصوب نامه غافل بوده اند که اگر شکایات مردم از مجاری رسمی و اداری رسیده میبشد ! اگر اصول پارلی باری بازی و رشوه خواری جاقین در ستمکاری و عمل در دوا بر دولتی نمیشد مردم باشخص غیر مربوط مراجعه نمیگردند !

آر بیدوسیه متراسم شده عرایض در وزارتخانه ها رسیده میبشد مردم نظلم خود را بوسیله جراید و تیزد عموم نمی نمودند

مظلوم فرياد میبکنند - ناله میبکنند این مسئله برای هر قوی حسی طبیعی است !! آر دولت میبخواهد فرياد ستم دیدگان اراده او را متزلزل نکند - آر دولت میبخواهد در زمان حکومت او حتی بکنفر شکایتی نداشته باشد خوبست اول باصلاح وزارتخانه ها پرداخته و زودتر از هر چیز شکایات و انتظارات مردم را در میزان عدالت و حق و سنجید و نتیجه در نتیجه اصلاح وزارت اورت سخاها مامورین صحیح العمل و بیظلم بیولایات اعزام شد آتوت شکایت مردم ستم و طا الظمیان میبدهیم که دیگر فرياد مظلومین سامه حساسین هیئت دولت را خسته نبخواهد کرد !!

## اخبار واصله

مرحمت رئیس الوزراء از قرار اطلاعی که تلگرافا پم ریز رسیده روز گذشته چهارونهم قبل از ظهر آقای رئیس الوزراء از همسنان بطرف قزوین حرکت کرده مقارن غروب واره قزوین شدند تب را در قزوین اقامت نموده امروز وارد مرز خواهند شد آقایان وزراء روز گذشته آقایان وزراء پوزارتخانه های خودشان حاضر شده تا ظهر مشغول مراجعه امورات بودند بعد از ظهر به هیئت وزراء آمده جلسه خصوصی تشکیل تا مقارن غروب مشغول مذاکره بودند جشن و کسفرانس روز جمعه بعد از ظهر جشن در سفارت روس منعقد و از عموم پذیرائی میشد اهالی از هر طبقه و دسته برای اظهار تبریک بقارنخانه آمده ضمنا رفیق شومبارسکی شروع به نطق نموده قریب یکساعت بزبان روسی نطق می نمودند پس از خاتمه نطق ایشان یک نفر مترجم خلاصه نطق ایشان را به شرح ذیل بیان نمود

دولت اشتراکی سوسیالیستی روسیه هم خودش را مصروف داشت که صالح عمومی برقرار آورد ولی دول امیر یالیستی دقا مانع پیشرفت این مقصود گردیده میخواستند دهان دقا را به حال بدبختی باقی گذارند فرمانفرمایی دقا را بخود اختصاص دهند اما در این موقع که آتش جنگ در داخلی المان مشتعل است امروز تلگرافا از مسکو بهما خیر رسیده که دولت سوچک پوتالی لهستان بدستاری دول امیر یالیستی شروع با انقلاب نموده اند دولت شوروی روسیه امروز تا جبار است که نتیجه عمومی ننوده باینجا خود اعلان می نماید و در ضمن یگادگران تمام دقا کوشد می نماید که باید یانها هم بدم و هم او از شده نایب و انهم مقاصد سوء بیک مشت قلبیل سرمایه داران دقا را از میان برداشته و حکومت کارگران در صدر ان قرار ببرد بعضی از اینها نیز در تأیید نطق قویق اطلاق گردیدند

پس از نطق انقلاب بید روسیه را بوسیله سیمما تو تراف در نظر عمومی نمایش دادند

ورود بسوجب خبری که در شامه قبل انتشار داده بودیم رفیق محترم آقای ضباط الواعظین روز جمعه گذشته بحضرت

عید العظیم ورود نموده و غالبی از آزادیخواهان نیز ایشان را صمیمانه استقبال نمودند - غروب روز جمعه وارد مرکز شدند

رد اعتبار نامه بطوریکه از بنفاد اطلاع رسیده است از جمله مسائل سیاسی که در این ایام آراء عموم نرکها بان اهمیت می دهند حادثه سفیر کبیر ایران در نرپه است سفیر مزبور از استانه (اسلامبول) بعزم آتقره برای تقدیم اوراق اعتبار نامه خود بمصطفی کمال پاشا حرکت میبکند ایشان اولین سفیری هستند که مبادرت باین عمل نموده اند پس از ورود سفیر با تفرقه با عصمت پاشا ملاقات نموده و اعتبارنامه خود را تقدیم مینماید چون اعتبار نامه مزبور خطاب بدولت عثمانی بوده است حکومت نرک اعتبار نامه را رد نموده و خاطر نشان نموده است که باید اعتبار نامه خطاب بدولت نرپه باشد لذا سفیر کبیر از آتقره شروع به مخاریات تلگرافا با دولت متبوع خود نموده که عبارات را تصریح نماید حکومت نرک این نرپه را بپذیرد و بیدیل اوراق اعتبارنامه را بطور کلی بپشهاد نموده است سفیر هم آتقره را نرک و بطرف اسلامبول رهسپار میشود شایع است که سفیر قریبا بتهران عزیمت خواهد نمود و اوراق اعتبار نامه را بطوریکه لازم است تهیه نموده مراجعت خواهد کرد شرح فوق را خود سفیر ایران از حادثه که در اطراف ان قال و قبل زیاد بر خواسته شده است نقل نموده

ملاقات وزیر امروز قبل از ظهر هیئت تجار برای تبریک به وزارت خواقد عامه خواهند رفت که مراسم تبریک بطوریکه خواقد عامه بعمل آورند

تعیین قائل از قرار اطلاعیکه از خراسان رسیده چندی قبل مدعی الاموم واقعه قتل کلک محمد تقی خاقد را تعقیب نموده که قابل خصوص الترحوم را کشف نمایند ابتدا از سردار بهرز بجنوردی تحقیقاتی بعمل آورده و نزدیک بوده است قضیه کمالا کشف شود در این حین از مقامات عالی امر بتبرک قضیه فوق صادر نموده الاموم از تعقیب قضیه خود داری نموده است



شورای عالی معارف  
چون بمقتضای ماده دوم از قانون  
شورای عالی معارف مصوبه پارلمان  
شورای عالی معارف مرتب از ده نفر  
اعضاء رسمی و رسمیت هر یک بر طبق  
فرمان اعلیحضرت پادشاه ایران خلداده  
ملکه خواهد بود و این ده نفر بانضمام  
مدیرکل که عضو یازدهم می باشد در  
نحوت ریاست وزیر وقت تشکیل خواهد  
شد و در این مدت بعضی نواقص در  
عده اعضاء موجود بود لذا در یوم  
دوشنبه ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۳۴۲ جلسه  
شورای عالی معارف در نحت ریاست  
شاهزاده سلیمان میرزا نواقصی که در  
عده اعضاء شورای عالی معارف موجود  
بود مرتفع فرمودند اشخاص فعلی شورای  
عالی معارف با سمت آنها از قرار  
ذیل است  
اقاسید مهدی مجتهد لاهیجانی  
مجتهد جامع الشرائط  
دکتر امیرالمعلمین مدرس عالی  
مدرس عالی  
دکتر مسیح الدوله مدیر مدرسه متوسطه  
غلامحسین خان رحمتا معلم مدرسه متوسطه  
ذکاء الملک از دانشمندان  
نیرالملک از دانشمندان  
مخبرالدوله از دانشمندان  
ندین از دانشمندان  
ادیب السلطنه از دانشمندان  
کشفیات شعبه دوم نامینات  
۱ - کشف دو قطعه اسکناس بیست  
و پنج تومانی نقلی و نه قطعه اسکناس  
علی خان ولد قوام التجار قزوینی بوده  
است  
۲ - کشف یازده فقره سرقت  
از فاطمه و نه نه خانم نامان که معادل  
دویست و یازده تومانی است

۳ - کشف اشیاء رحمت الله خان  
بقیمت بیست و یک تومانی که روح الله  
خان نامی از منزلش نقلیا دریافت کرده  
است  
۴ - کشف یک نخته کلیم سرور  
متملق به مهدی اکبر قزوینی بقیمت  
تومانی  
۵ - کشف سرقت یک نخته قلابچه  
و یک نخته پتو از مستشار نظام عضو  
انجمن نظار هودلاجان بقیمت بیست و  
سه تومانی  
۶ - کشف یک قطعه اسکناس ده  
تومانی که از جیبه ابوالفتح خان صرف  
سرقت شده بود  
۷ - کشف سرقت اشیاء دینار  
طاهر خان بقیمت شش تومانی  
کشف اشیاء سرورقه شعبه عدرا  
خانم  
۹ - کشف یک جعبه آهنی محتوی  
اسناد و نوشتجات میرزا اسمعیل بنزین  
فروش  
۱۰ - کشف اشیاء سرورقه میرزا  
زین العابدین خان سوزاقمیه اداره تنظیمه  
۱۱ - کشف اشیاء سرورقه حسین  
۱۲ - کشف مقداری اشیاء سرورقه  
زین العابدین نام بودگی  
۱۳ - واجبه به نظلم عباس آقای  
سپکار فروش که معادل دویست تومانی

اشیاء او را هادی خان واسطی نامان  
شاکردنش سرقت نموده و در جریان  
تحقیقات عارض نقاضی عدم تعقیب را  
نموده است  
**اجرای ولایات**  
عبور از سرحد  
از قصر للکرافا راپرت میدهند  
که روز چهاردهم عقب اعلیحضرت  
همایونی از سرحد عبور نموده است  
ایضا از قصر راپرت میدهند که  
روز پانزدهم عقب رئیس الوزراء  
مراجعت نموده بطرف کرمانشاهان رفتند  
امتداد جشن  
نبریز - در این چند شب علاوه  
بر جشن و آیینی که عموم اهالی و  
تجار و کسبه گرفته بودند در نظمی و  
بلدیه و اداره ایالتی وقامه بیکی نظامی  
هم جشن گرفته بودند اداره مالیه مدارس  
متوسطه و اداره معارف هم جشن های  
باشکوهی گرفتند دیشب در اداره معارف  
علاوه بر چراغانی و آیین لپاری هم  
دادند در تمام جشن ها حکومت نظامی  
و مامورین داخله خارجه حضور داشتند  
جشن در قونولگری روس  
مشهد - دیروز در جنرال قونول  
ری دولت شوروی روسیه پهناسیت  
سال ششم انقلاب روسیه مجلس جشنی  
از طرف رفیق ( شوروف ) تشکیل  
جنرال قونولگری منقده عموم رؤسای  
دوایر دوله از لشکر و کشوری و  
سایر طبقات اهالی دعوت داشتند مدعوب  
متفاوتی برای اظهار تبریک و صرف شربت  
و شیرینی حاضر شده بودند مجلس جشن  
ناشب گذشته امتداد داشت  
سوه عملیات  
خوانسار - بواسطه سوء اخلاق

و عملیات میرزا عباس مدیر مدرسه  
دولتی خوانسار معلمین مدرسه مستعفی  
اولیاء اطفال هم برای هرج و مرج  
بودن مدرسه و عدم اطمینان و نداشتن  
معلم مانع از رفتن اطفال خود به مدرسه  
شده اند فقط چند نفر معدودی شاکرد  
باقی است  
قوت مفتی  
کردستان - آقا شیخ عید الله  
مفتی که از اجله علمای کردستان بود  
شب گذشته مرحوم شد امروز نهش او  
را با احترام با حضور حکومت و رئیس  
قشون و تمام روسای دوایر حرکت  
دادند کلاه بازارها را بسته و در مسجد  
مجلس لرحیم منعقد نمودند  
انتخاب نماینده  
یزگی امام - حکومت ساوجبلاغ  
مشغول انتخاب دو نفر نماینده از طرف  
انجمن نظار هستند که پشهریار پفرستند  
که در موقع استخراج آراء در اینجا  
حضور داشته باشند  
**بی سیم سکو**  
مورخه ۱۰ نوامبر  
۱۹۳۳  
بحران دولتی در المان  
برلن ۷ - بحران حکومت ادامه  
دارد شتر زمان رئیس الوزراء با  
کرت لپدر ملبون مشاوره نموده جناح  
حزب ملی که طرفدار ستینس معروف  
است اصرار دارد که ملبون در کابینه  
داخل شوند دموکرات ها جدا با عضویت  
ملبون در کابینه مخالف میباشند  
در حزب هر تری مبارزه شدیدی بین  
جناحین یسین و یسار ادامه دارد راپرت  
نمایند جناح دست چپ عقیده دارد  
که باید سیاست معتدلی موافق قانون  
اساسی تعقیب شود جماعت دست راست  
ظاهرا از بودهای چپری صرف نظر

کرده و حالا در انحلال رایشناک اصرار  
میکند سوسپال دموکرات ها با انحلال  
رایشناک مخالف میباشند و می ترسند  
که میباید انتخابات جدید به تقویت  
فرق دست راست و سونیت ها  
منجر شود  
جنگ داخلی در لهستان  
ورشو ۶ - اعتصاب عمومی لهستان  
با شرکت حزب سونیت شروع گردیده  
انام موسسات ورشو باستثنای کارگران  
مجادری آب و کارخانه الکتریک اعتصاب  
کرده اند امروز صبح به طرف آرام  
وای که خاروقین اعتصاب بکار انداخته  
بودند نارنجک دستی پرتاب نمودند -  
طرف عصر حرکت راهوای موقوف شد  
ورشو ۷ - روز گذشته در سراسر اک  
از صبح اشام جنگ بین کارگران و قشون  
دوام داشت یک فوج سواره نظام و  
دو فوج پیاده بکارگران ملحق شدند  
کارگران هزار قبضه تفنگ پنج تیر و  
دوازده نوب- و چند دستگاه انوموبیل  
زره پوش بدست آوردند و قشون ساخالوی  
را جنگ کسان از شهر خارج ساختند  
در این شمشکشن دوازده نفر مقتول و  
متجاوز از دویست نفر مجروح شدند  
برای حفظ انتظامات شهر مپلیس کار  
گران تشکیل گردیده است  
همینکه خیر قضایای گراکت پورشو  
رسید حزب سوسپالست های لهستان  
با هیئت دولت داخل مذاکرات گردیده  
و همین حزب مفتن تسلیم صرف را با  
وعده های پوچ و بیهوده دولت پرده  
پوشی کرده تصمیم نمود که با اعتصاب  
عمومی خانمه بدهد و کارگران را  
بتجدید کار دعوت نماید بنابراین  
کارگران سراسر اک کزمام امور شهر را  
بدست گرفته بودند بدست انتقام شدید  
دولت تسلیم گشتند اکنون اعتصاب  
عمومی قیل از اینکه فرمان نظامی شدن  
طرق امن تسخ شود و محاسبات سپار

# انقلاب کبیر روسیه

زده خورد بودند  
افواج انقلابیون از هر جهت آسوده بودند این  
ها فور خانه کاملی داشتند از طرف دیگر هم شاکردان  
مدارس بخدمت نظامی صحن مشغول شده مجروحین را  
پرستازی میکردند از حکومت و دولت خیر و اثری نبود  
و بعضی اوقات ماتد کردی که در هوا ظاهر شود فقط اسمی  
از آن پرده میشد  
همه مردم اظهار شادمانی می کردند سرباز ها  
یکدیگر را بغل زده و می بوسیدند کمیته های مرکز  
مشغول تهیه مسپون های فرعیه بودند  
خیر نازه فقط نصف شهر و پنج انقلابیون است  
ژنرال ( الکسیف ) مراب را با امپراطور مخایره  
کرد رئیس الوزراء محسوس استعفای خود را بر رئیس مجلس  
تقدیم داشته جوابی که از امپراطور رسیده معلوم نبوده ولی  
ژنرال روسگی اطلاع میداد که نسبت به پادشاه و ملت  
خدمات خود را انجام داده ام  
اولین جلسه مجلس شورای ملی  
روز ۲۸ فوریه از دولت سر انقلاب در شهر  
نان پیدا شد ولی این نان بقول وزیر امور خارجه وقت  
( مسپو پاتروفسکی ) از خارج تهیه شده بود  
هیجان مردم نسبتا صورت جدی نداشت ولی انوموبیل  
های پراز سرباز و عملجات مسلح وزن و مرد متصل در حرکت  
و در هر گوشه خیابان یکی دو نفر سرباز با سر لپزه کشیک

از هر کارخانه هم نماینده باید پیدا میکردند هر از نفری یک نفر کار-  
خانجانی که کمتر از هزار نفر عمله دارند یک نماینده بفرستند  
- اعلامیه ذیل نیز از طرف کمیته اجراییه موقتی  
نمایندگان عملجات به عموم ملت خطاب میشود  
- همشهری ها سربازانیکه برای خاطر آزادی ملت  
از صبح تا بچال جنگیده اند سرسته اند ما با بحال تمام سعی  
و توشش خودمان را برای نهدیه آنها کرده ایم ولی این  
کافی نیست ملت هم باید همراهی و مساعدت نماید زیرا  
عجالتا مشکل است بلا فاصله باین کار اقدام نمود اینست که  
همامه اطلاع میدهم و خواهش داریم بهر قسم می توانند و  
از عهده یرمی آیند از مساعدت با سربازها مضایقه نموده و  
تنها امشب آنها را گرسنه نگذارند -  
این ورقه از طرف کمیته روزنامه نگاران پایتخت  
امضا و منتشر شده است  
تمام شهر بدست انقلابیون افتاد قلعه جات و  
استحکامات شهر نیز تصرف آنها در آمد فقط یک فوج  
از حکومت طرفداری می کرد که قزاق ها با آنها مشغول

می دادند  
حریق عمارت عدلیه هنوز خاموش نشده بود و  
این خود اولین نمونه انقلاب بشمار میرفت حریق مزبور  
تنها منحصر بعمارت نبود بلکه اسناد عدلیه را هم آتش  
زدند و جمعیت مردم هم صدازا بشادمانی بلند نموده و در  
مقابل این اقدام اظهار خوشوقتی می نمودند حریق دوائر  
نظمیه و کمیساریا هم مثل عدلیه بیشتر متوجه اسناد  
اداری بود و هرچه را که در تمام این مدت دوائر مزبور  
اسناد و سجل احوال مردم را ترتیب داده بودند سربازها  
با کوله پشتی آورده و در میان خیابان بائش می انداختند  
در اطراف عمارت مجلس شورای ملی بساط  
غریبی بود  
هر لحظه یکدسته سرباز دیده میشدند که با کارد  
و تفنگ های حاضر و پر کرده بعضی هارا که می گفتند از  
صاحب منصبان و افراد پلپس هستند احاطه کرده و بایک  
وضع بدی شان کشان بطرف مجلس می آوردند در مقابل  
پنای عمارت پارلمان مقدار زیادی انوموبیل های مسلح صاف  
کشیده و بچه ها بروی لوله نوب ها سوار شده همه  
داشتند یک دسته از شاکردان صاحب منصب جزء مدرسه  
نظامی یالیاس مخصوص ذراز خود منتظما وارد شدند  
سرباز ها میگفتند این حضرات یعیل خود این جا  
نهامده اند ما آنها را دعوت کرده ایم  
مخبرین جزایر بدون اشکال و نامی میتوانستند



موقوف شوند خانه میباشد. نوده کار گران باوجود انزجار کامل از خیانت حزب سوسیالیست های اهلستان بتربك اعتصاب مجبور میگرددند

### اخبار روتر

مورخه جمعه ۹ و شنبه ۱۰ نوامبر ۱۹۲۳ مذاکرات کنفرانس امپراطوری در کنفرانس ووتنایر نطق مفصلی ایراد کرده و بطور خلاصه بیانات ساپور را راجع باستحقاق اهالی و رعایای هند را ناکید کرد و از اینکه بین رعایای هند شرقی و غربی وسایر اهالی ممالک مستعمراتی و تحت الحمایه و تحت قیمومیت تفاوت فرض شده است اظهار عدم رضایت نمود و نیز از حقوقی که جدیداً به اهالی مستعمرات افریقای شرقی داده شده است اظهار مسرت نموده و از طرف دولت انگلستان مراتب صمیمیت خویش را نسبت به پیشنهادات واصله ابراز داشت

سپس ماگتزی آلمانیك بر خواسته بیانات مطول و مفصلی ترد بطور خلاصه راجع بقصده مهاجرهای هندی ها به ژاپون بیانات هفته قبل مهاراجه الوار را متذکر گردید - راجع به مهاجرت اهالی هند به کانادا نیز راپورتنی که در ۱۵ سال قبل وقتی حکمران مملکت مزبور بوده است تهیه و بدربار لندن ارسال داشت ارائه داده و قسمتی از آنرا قرائت نمود - در راپورت موضوع مهاجرت هندیها به کانادا و علل آنرا شرح داده است و اظهار داشت که در آن تاریخ مسافرانی به انگلستان و هندوستان کرده و باحکمران مملکت مزبور مذاکراتی بعمل آورده است بالاخره چنین اظهار نمود که تصور نمیکند مهاجرت هندیها برای فقدان حقوق سیاسی بوده باشد و متصلالاطلامالی

راجع بحقوق های سیاسی اهالی ممالک مستعمراتی و تحت الحمایه داده و مثال هائی برای هر يك ذکر نمود - پس از آن اظهار داشت که در هشت از نه در ایالات کانادا هندیها دارای همان حقوق و امتیازاتی هستند که در کانادای ها از آن بهره مند میشوند ولی در هندوستان اینطور نیست - هرگاه این وضعیت در برابر چشمهای هندی ها گذاشته شود البته صدیق خواهند بود که آنقدر ها در این موضوع محق نیستند بعد مرانله را که از او تاوا در ۱۵ سپتامبر به سانسیری نگاشته و در آن اظهار کرده بوده که دولت انگلستان با مسرت تمام پیشنهادات مشاور الهه را تحت مطالعه پارلمان قدار خواهد داد قرائت کرده و در پایان نطق خود گفت که چون دیروز ساپور با يك احساسات فوق العاده نسبت به آزادی و استقلال هند صحبت کرد مجموعاً عرض کنم که هرگاه هندوستان يك ملت عاقلی را - نت باشد باید احساس نماید که این مقصود بمرور زمان و در تحت اختیار انگلستان زغندی کردن غیر حاصل خواهد شد

سپس بروس نماینده استرالیا بر خواسته پیویه خویش بیانات بسیار مفصلی کرده و اظهار داشت که مسئله استفاده از حقوق عمومی هندیها در سایر ممالک متحده انگلستان از نقطه نظر کانادا زیاد رسمیت ندارد زیرا کلمه عده نفوس هند که در مملکت مزبور موجود اند اندازد و هزار نفر تجاوز نمی کند ولی چون این يك قضیه عمومی و مربوط به تمام ممالک امپراطوری است از اینرا عقیده خود داری میکنم - و نیز اظهار داشت که هندوستان از حیث ثروت و نفوس فوق العاده در نزد انگلستان عزیز است زیرا قریب يك ملیون و نعلت سرباز هندی در تحت فرمان

دولت انگلستان میباشد و گمگهای مادی مملکت مزبور از حیث ثروت و افراد در تحت بین المللی غیر قابل فراموش است هندوستان در مدت جنگ قریب يك ملیون قشون در تمام میدان جنگ داشت استرالیا از حیث آمدن علاقه نامی به هندوستان دارد اینک در سال ۱۹۱۸ مهاجرت هندیها را کنفرانس امپراطوری بممالک اروپائی تعیین منع کرده و در سال ۱۹۲۱ نیز این تصمیم را تجدید کرد و باین نظر بوده است هرگاه مهاجرین مملکت مزبور به ممالک اروپائی نشین هجوم میگردند از ثمرت عده رفته رفته آمدن غربی و اروپائی را در سایر زندگانی و عادات و تمدن شرقی خود مستهلك میگردند و نطق خود باین شکل خوانده داد که از نقطه نظر استرالیا مشارالیه لازم میباشد که مپون مخصوصی برای بحث پیشنهادات و عقاید هر ناچ شاپرو منعقد گردد -

مسی نماینده افریقای جنوبی نیز بیاناتی در همین زمینه ها کرده و در خانه این عبارات را بیان کرد که مشار الهه متهای جدید را در نزدیک کردن نظریات هندی ها و اهالی افریقای جنوبی بعمل خواهد آورد - میزان مبادلات

پاریس ۲۰ - ۷۷  
برلن معلوم نیست  
ایتالیا ۲۷ - ۱۰۰  
نیویورک ۴ - ۴۳۵۷

۹ نوامبر در باویر ۹ نوامبر ساعت شش صبح یکی از ملیون هیتلر حکومت (ون خار) را ساقط نمود (زلزال)

لودان دورف ( بجای او برقرار گردید ( مسبو هیتلر ) سمت مستشاری سیاسی ( مسبو یولک ) رئیس نظمیه سابق سمت مدیریت امور ممالک ( ون لمو ) سمت وزارت جنگ انتخاب گردید قوای ( هیتلر ) مونسش را انصراف نمودند

بر حسب اطلاعات (پتی پاریزین) ( ون خار ) دستگیر یا سمت نهایت سلطنت باویر انتخاب شده روابط نکرافی بین مونسش و بران مقطوع (وریشور) حکومت سوسیالیستی (ویهار) را منزعز نموده است انتقال فرماندهی کل قوا بران - پرزیدانت ابرت فرماندهی کل قوا را به ( دن سکت ) منتقل نموده و مشار الهه نیز اقدامات لازمه برای دفاع ریش بعمل خواهد آورد دستگیری رئیس الوزرای باویر بران اعلامیه دولتی - ای است که رئیس الوزرای باویر ( سنی لیک ) دستگیر و در مونسش حکومتی تشکیل یافته که ( لودان دورف ) سمت سردار کل آنجا بر قرار شد اعلامیه مزبور و وطنخواهان را بدفاع وحدت و آزادی جمهوری تشویق نمود که با شهادت و وفاداری بر علیه کودتا مبارزه نمایند بران - جریده ( ول آتیش بولا شتر ) ناشر افکار هیتلر (منطقه مونسش) نقاشی کتاره گیری ( پرزیدانت ابرت ) را نموده علاوه می نماید که هرگاه مشارالیه بمیل خود پست خود را ترک نماید بایستی با قوه قهریه او را کنار نمود

۹ نوامبر چهار بعد از ظهر آلمان - دیکتاتور ملی بالوداندورف فرمانده کل قوای آلمان عصر پنجشنبه در ( مونسش ) اعلام گردید ( یولک ) بر داس آن قرار گرفت ( زلزال

ون لسو ( فرمانده ( ریشور ) باویر ( هیتلر ) رئیس پلیس سبز ( ون خار ) سمت نهایت سلطنت باویر بر قرار و ( ون سنی لیک ) رئیس الوزرا و شی ویزر ( وزیر داخله ) وقتبف گردیدند ( هیتلر ) بهامه اظهار داشت روزی مدت پنجسال است منتظر آن میباشم بالاخره سر رسید و من تا مین میباشم که از آلمان يك ملت فاجعی اسپس نمایم اعلامیه حکومت دیکتاتوری نظامی با دیده ثابت نمود که اطلاعاتی که فرانسه بدولت آلمان مبادا حکم نامه بوده و جرائد فرانسه امروز صبح بیک انرا یکایتنه پاریس تقدیم نمود دولت ریش اعلامیه بدولت آلمان نمود مینی بر اینکه « یکسده ایوان نوریه از بحران سنونی آلمان استفاده نموده که زمان مملکت را بدست گیرند هر کسی که در این کودتا دخالت داشته باشد خیانت بزرگی را مرتکب شده اعلامیه مزبور انمام حجت نمود که دولت بران معذالک بهر تدبیری که پیش آید اقدامات لازمه برای جلوگیری نامه از همجناسات فریبنده بعمل خواهد آورد از اسس ولف بیانات ذیل « هیلر را خبر میدهد که امروزه انقلاب ملی شروع شده ولی این انقلاب بر علیه ( ون خار ) مبادرت نشده بلکه بر علیه عاید دولت بهود بران است بنا بر اطلاعات از اسس مزبور ( لوداندورف ) نیز اظهار داشت من بعد در تهیه بر افراتشن برفق سپاه و سفید و قرمز در تمام آلمان بانظام ناحیه ( ون ) هشتم اظهارات انازونی بران - شایعانی در بران جریان یافته که دولت انازونی اعلام نموده که اگر يك حکومت غیر اساسی در آلمان تشکیل شود دولت امریکا از دخالت در وضعیت اقتصادی آلمان خود داری خواهد نمود

بود که فوق العاده مضطرب و رنگ صورت و ریش و تفریق بهم مخلوط و معلوم بود که خواستش موشش و حتی ملتفت جلوی پای خودش نیز قیمت همینکه دست اشرفیات وی بوسط عمارت رسیده يك صدای بلند بحالت فرمان امرداد قنك های پر شده اطراف وی را بخواباند و بلا فاصله بعد از این حلام در يك اطاق محقر تاریکی که در دالان عمارت بود آقای رئیس الوزرا سابق را انداختند بعد از این دسته عده دیگر بیدار شدند که معاون درباری یعنی ( پیلی ریم ) را بمیان گرفته و می آوردند طرز برخورد مردم با وی نشانانی بود - صداهای فحش و قاسرا از اطراف بلند شد عملیات می گفتند تسلیم دهنده دوبر و مدافع بیانات آسمانی نزول اجلال فرمود : جمعی از سرباز های شهری مقابلش آمده گفتند جناب قدوسی مراتب مجلس ما را تزیین فرموده اند و برای این لطف و مرحمت ایشانرا بخدمت خانم والده مقامی می فرستیم ! ( مقصود از اسم خانم والده مقامی عنوان ملکه است که بطور تحقیر یرده میشد ) باری شب شد و مقصرین را در اطاق تنگی ریخته مردم کم کم متفرق و فقط از مقصرین آسیا که رها کرده بودند وزیر امور خارجه بود که نظر پارتیاط محرمانه با کعبته انقلاب وی را مرخص نموده و بکار سابق خودش ( وزارت امور خارجه ) مشغول شده بود

جراید اجازه انتشار و تلگراف اخبار شهر و نتیجه انقلاب را نمیداد ولی مخیرین جراید فرانسه بو کلاتایت نمودند در این موقع که قشون روس بواسطه انقلاب نمیتواند درست از عهده خدمت و مؤلفیت خود در مقابل قشون دشمن بر آید لازم است این اطلاع بسیار متعین روسیه داده شود تا لاحاله آنها بجملات خود افزوده و قوای آلمان را مانع شوند که بگمرانیه بداخله روسیه هجوم آور شده و اساس مملکت را از هم متلاشی سازند - پهر حال نزدیک غروب يك اجازه مختصرولی در تحت نظارت حکومت موقتی و سانوسرحدی بمخیرین مزبور داده شد که خلاصه موقوف را بمقامات خارجه تلگراف نمایند

لازمه واردین به عمارت مجلس اندکی آرام گرفته بودند که بگمرانیه جنجال و بهاموی غربی بر خواست از هر طرف آمدنها کشیده میشد که به بینند چه خبر است و بالاخره بگمران سربازی صدای بلند اعلام ورود رئیس الوزرا مسبو ( استور ) را داد ولی این ورود بمیل نبود بلکه باجبار وی را دستگیر کرده و پیرتر انقلاب می آوردند بهر حال شخص مزبور را با سرباز و سربازها بیک قمه های لخت در اطراف وی نگاه داشته بودند وارد کردند پیر مرد بیچاره با عصای خنجم و پالتوی ستاد و بلند که مانند جبه پاخر پوشیده شده بود آهسته آهسته می آمد و از رنگ و روی و وجنات صورت و سم قوری چشمها پیدا

وارد پارلمان بشوند ولی برای سایرین این مطلب خالی از اشکال نبود جمعیت داخل عمارت مجلس بقدری بود که مردم با اجازه ورود هم نمیتوانستند وارد شوند و فقط هر کسی که میل داشت وارد مجلس شود باید منتظر شود تا بگمران از مقصرین را که وارد میکنند در دنبال عده اشرفیات وی خود را بیک طریقی بداخل عمارت بپندازد و اما اوضاع داخل عمارت بقدری کثیف بود که انسان از تعجب نمیتوانست خود داری نماید شب گذشته دو هزار نفر سرباز در این مکان موقوف کرده بودند

مازاد خوردا کپهای آنها جمعیه های سهکاره قوطی های مریا و نه مانده غذاهای این عده زیر دست و پای نماشایبان ریخته بود در اطاق مخصوص مجلس که محل انعقاد جلسات رسمی است خبری نبود ولی در اطاق دیگری که معروف به ( طالار کاترین ) میباشد ( گرانکی ) با حالت خسته و رنگ پریده مشغول نطق وعده زیادی سرباز و عمله و چند نفر زن و بچه در اطراف وی با شتاب ایستاده بودند . موضوع نطق گرانکی سفارش و دستور العمل سربازان بود یعنی همان سربازانی که خود موجد انقلاب واقع شده و پیر شد رؤسای خود شوریده و يك عده زیادی از آنها را پختل رساقده و بیایستی هم احترامات نظامی معمول نمیداشتند در آن روز رئیس مجلس به چیک از مخیرین



قرانت خانه طوفان

همه روزه صبح از ساعت ۹ الی ۱۲ و از چهار الی هشت شب مفتوح عموماً میتوانند از جراند و کتب مفیده استفاده نمایند



اصول علم و مقاله  
تالیف آقای شریح همایون جدیداً با تصرفات زیاد مطابق اصول علم و مقاله  
وزارت جلیه معارف باسالمطالبت و قطع مرغوب بطبع رسیده در کتابخانه  
مطالبت بهر روش  
(نمبر ۹۱)

**حب قوك تریاك**  
اینجا دیگر هیچ لزومی ندارد که ما از حبهای خود نمریف کنیم جز خوانی هم نمی کنیم -  
حب های ماسدق حرفهای ما را ثابت می کنند همین قدر اگر این خدمات را مادر خاك خارجه انجام میدادیم بیک قدردانی های مهمی نازل می شدیم در اینجا بلخوشو قوتیم که عده ای از نوع بشر را از این مرض مزمن و موزی نجات داده و آنها را از خمودگی دائمی خلاص کنیم خوب است آقایان معاندین بتریاك که میخواهند کریبان خود را از دست این سم قتل خلاص کنند در مدت خیلی قبلی با استعمال این حب نجات خواهند یافت

**سدا لال**  
باروغن زیتون تازه صحیح خوردن دارد روغن زیتون تازه مطه و سیاه برای دواخانه پاستوروارد میشود و به اعتبار دواخانه و فروش میرسد که آقایان سالاد خورها از روی اطمینان سالاد میل نمایند و لذت ببرند اگر روغن زیتون تازه خوب را میخواهید بدانید چه مزه دارد لازم است یکدفعه یک بطری خریداری نموده آنوقت صحت اظهارات ما را تصدیق خواهید فرمود  
دواخانه پاستور  
نمبر اعلان ۳۹۹  
۳۵ - ۶۰

اظهار

مقدار دوهزار و پانصد ذرع از باغ مرحوم حسینقلی خان مخبر - الدوله طاب غراه سهمی جناب آقای عبدالحمید خان فرزند آن مرحوم به انضمام تقسیم آب و اشجار و عمارت واقع در بیرون دروازه دولت که اکنون دولت اجاره نموده برای مستشاران آمریکائی بموجب قبالة شرعیه ملك طلق این جانب است هر فاه کسی معامله در این موضوع بنماید از درجه اعتبار ساقط و ابدا صورت شرعی و قانونی نخواهد داشت ( میرزا محمدعلی مدیر مغازه نو بهار خیابان لاله زار طهران ) (نمبر ۹۷)

اظهار

اجناس وطن  
عبای ناپذیری همه رقم ممتاز و شاهای خلیجی برای پالتو و غیره بتازگی وارد و بقیمت مناسب بفروش میرسد طالبین بسرائی حاجی زمان در صحن حجره طبیبان رجوع نمایند (نمبر ۹۰)

اومالتین OVOMALTINE

و مادرانیکه علاقه مند باولاد خود هستند  
اومالتین شیر زنان شیرده را زیاد میکند و در شیر اترالی می پخشند که اطفال را فربه و قوی مینماید زن هایی که فوق العاده علاقه مند باطفال خود هستند و شیر آن ها کم است مجبوراً بچه خود را تسلیم دایه مینمایند که شاید مبتلا بچندین امراض است و برای آن خالی ازخطر نخواهد بود آریا بهترین است  
که اکثراً بخوردن اومالتین نموده بچه خود را در آغوش گرفته از شیر پاك مقوی خود او را تغذیه نماید  
پس اومالتین دواخانه پاستور را استعمال نمایند تا شیر شما زیاد شده بچه خود را همیشه سالم ببینید - آقا یا نیکه زحمات دماغی و روحی دارند اشخاصی که لاغر و ضعیف میباشد جوانانیکه مبتلا به کم خونی شده اند پیرانیکه شکسته و ناتوان گشته اند مخصوصاً آنها نیکه مبتلا به سوء هضم و آرزوی هر کوفته خوراك را می کنند اگر سلامتی مزاج را طالبیند اومالتین استعمال نمایند محل فروش دواخانه پاستور -  
۳۵ - ۶۰



صفت اولی غزل

سخت در رنج و غم هم نمان جام کجاست  
اگر آزرده شدی از بد ایام مرتج  
تا یرفتی او شکیبائی و آرام برفت  
دوستدارا او افزون ز شمارند و قیاس  
برده و هم بپوشید رخ شاهد غیب  
ملك و دین مایه دشمن و ما خواب و خموش  
دوستان صحیحی از تنك و زنام نکتید  
ختم زلفت نه همین دام دلک داشت شد  
شور پستی که نیتگاه در این دام کجاست  
(محمد داشت)

طبع کتب و سفر شعبه ۴

سوی اصفهان

تالیف بهر لونی ترجمه : فتح الله قنقی

۳ -

انها را بار بندی نمانیم و با یک اشتناش و بی تربیتی کاملی در روی شنها و زمین پراکنده و متفرق بودند بتوانیم در يك چنین شبی که ظلمت و یگرسی آسمان فوق العاده زیاد است در روی قاطر ها با منگوله و زنگوله هایشان مرتب و منظم نماییم و قادر شویم که در این صحرائ وسیع آنها را قطار پیست سر هم نموده و راه خود را مداومت دهیم  
ولی مهذا با وجود تمام این موانع و مشکلات مزبور شروع به حمل نموده و در ضمن برای پیشرفت حمل و موفق شدن بعضی اوقات دعاهائی نیز می سرودند ریختن اثاثیه . آلات ادوات در کبسه های بزرگ کاروانی که از پشمهای رنگارنگ و مختلف الیون یافته شده طناب پیچ کردن با ریسمان بستن . تعدیل بار هر حیوان . اسپاهیا را با دست وزن کردن و غیره . تمام این افعال و اعمال . باستعانت روشنائی دو چراغ کوچک در ظلمت فوق العاده شب انجام گرفتند . باندازه نارنگی سحنه آسمان را فرا گرفته بود که از هیچ طرف هم جزئی نوری معلوم و اشکار نبود و هیچ ستاره وجود نداشت و هیچ سوراخ و منفذی در آسمان یافت نمی شد که روشنائی بتواند از آن جانور خود را پر تاب نماید باد های شدید کم دوام مثل صدای ناله ضعیفی در وزش بودند و شتهای زمین را بسمت آسمان حرکت داده نولید . نولا کهای موحش و تره باد های مهیب و خطرناکی می نمودند و صدای زنگوله و منگوله های حیوانات و ساربانان و کاروانها که از نزدیکی صحبت نموده پیش می آمدند کاملاً استماع می گردید : اینها کاروانهای ناشناسی بودند که در این وقت شب براه افتاده عبور و مرور می نمودند که این طرف و آن طرف ایستاده و نوقف آنها برای من ایجاد خوف و رعب می نمود و نمیز و نشخص بدبیم الان ساعت نهمیم است باد قدری از حرارت خود کاسته با آرامی و متانت کاملی می وزید بطوریکه وزش آن بر بدن انسان نولید فرح و انبساط می نمود تمام ایرها پراکنده و متفرق گردیده و ستارگان با وضع شعف انگیزی لایح و واضح گردیده بودند تمام بارها و پیته ها و محمولات و آلات و ادوات ملابز شده و اینک براه می افتیم سه نفر سربازی که نامور حفظ و حرارت من شده بودند سوار شده تنگهای بزرگ خود را در دست گرفته اسپهائی مرا آورده بلاوقفه و براه افتادیم . بایک مجموعه صداهای زنگوله و منگوله های مختلفه این جمعیت که مرتب از سربازان و نوکرها

و خود من بودیم و تشکیل قافله و کاروان را می دادیم در موقعی که اشعه قره رنگ قمر نور پر فروغ خود را بسمت ما پر تاب می نمود و نسیم فرح بخش باطو و نانی کاملی از هر طرف و ران بوده این جمعیت و این قافله براه افتاد و بشکل يك دسته و گروه هم و بر همی بطرف يك جاده معینی در وسط دشتهای و کوههای بی حد و حصری حرکت نمود دشتهائی که بلافاصله پشت سرشها اشکامی شدند رنگهای بالافتی خاکستری کن اودی داشتند که بواسطه ناپدیدن اشعه سوزان خورشید این لجنهای ولای و کلهها خشک شده و تمام جای باهای مسافری که قبلاً از روی این لجن زار ها عبور نموده کاملاً ظاهر و معلوم بود و خطوط عرض و طولی سپاه رنگ و خاکستری که بواسطه افزشها و زمین خوردن حیوانات تشکیل شده بود احداث نموده بود تمام این جاده ها طرقتی بودند که مارا هدایت نموده و پیست مقصود را معنای می نمودند و از هر طرف که چشم می انداختیم این طرقتی نهایت از نظر ما دور میشدند حالا دیگر باطمینان و قوت قلب قلبی قافله و کاروان من حرکت می برد بعد از شش ساعت طی طریق بالاخره برای سه یا چهار ساعت صیبح مانده به منزل جدیدی وارد می شویم و باوجود این حرکت که معلوم نبود سی ختم خواهد شد کاروان من با تندی قابل توجهی با یک راحتی و خوشی آسان و کاملی از میان قضای غیر محقق که هیچ کس نمی تواند فاصله و وسعت آن را معین نماید عبور مینمودیم هیچ وقت هم من در دوره عمر خود در وسط شب با چنین نارنگی و ظلمتی در وسط صحرائ لم یزور و بی سکوتی راه نرفته بودم در مراسم سوریه عربستان نزدیک ساعت هزوب دیگر او تراق کرده و جادو می زدیم ولی اینجا حرارت سوزان آفتاب باندازه سده و آسبب وارد ماورد که در وسط آسمان حیوانات و انسان نمی توانستند در مقابل اشعه گرم خورشید ایستادی و مقاومت نمایند : این طرق فقط از برای مسافرت لیلی ساخته شده اند و روز در آنها کمتر کسی تردد و آمد و شد میکنند ماه در آسمان بالا میرفت و بواسطه ایرهای اتیوه و متراستی که لجنه به لجنه در آسمان پیدا می شدند کاهگهی از انظار ما مخفی می شد ناگهان چشم خود را باز نموده و در مقابل نظر خود يك دسته و جمعیت نا شناسی را ملاحظه کردم که خیلی بنظر من تازه می آمدند چهره های جدیدی